

مجله سیاست دفاعی

شماره ۱۷ زمستان ۷۵

مدل سازی و تحلیل نظامی صحنه جنگ در عصر عدم اطمینان*

نویسنده: بروسی بانٹ

مترجم: حسین سلامی

چکیده

این مقاله حاصل تلاشی است که به عنوان بخشی از توسعه سیستم ارزیابی استراتژی مؤسسه RAND انجام گرفته و در واقع ابتکار مدیر کل ارزیابی شبکه در وزارت دفاع آمریکا برای بهبود روشهای مورد استفاده در تحلیل و مدلسازی جنگهای احتمالی منطقه‌ای و مخاصمات سطوح بالاتر، می‌باشد. به دلیل اینکه بسیاری از جنبه‌های حیاتی و مهم جنگ طی چند سال گذشته به طرز قابل ملاحظه‌ای در حال تغییر بوده، و احتمالاً در دهه آینده نیز با شتاب بیشتری تغییر نمایند، یک مؤلفه عمده در توسعه‌ها و پیشرفتهای اخیر سیستم ارزیابی استراتژی RAND، تحقیق پیرامون جنگهای آینده بوده است. این گزارش به طور خلاصه توصیف کننده برخی از دیدگاههای ایالات متحده پیرامون جنگ و الزامات مدل سازی و تحلیل نظامی مخاصمات احتمالی منطقه‌ای می‌باشد، این کار شامل تحلیل‌ها و بازیهای جنگ بوده و طیف وسیعی از عملیاتهای عمده در حال و آینده را پوشش داده است.



مقدمه

سرسختی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابل فشارها و تنشهای

* Bruce Bennett, "The ater Analysis and Modeling in an era of Uncertainty: The Present and Future of Warfare", RAND National Defense Research Institute Prepared for the Director of Net assessment office of the Secretary of Defense.

وارده از سوی ایالات متحده آمریکا برای تحمیل نظم به اصطلاح نوین آمریکایی در جهان امروز، احتمال پیدایش چالش‌های متنوعی را در آینده برای جمهوری اسلامی ایران افزایش داده است. (همانگونه که در دهه قبل در قالب جنگ تحمیلی به وقوع پیوست). بنابراین در محیط سیاسی ناپایدار و سیال امروز جهان، امکان وقوع جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. در این فضای تغییرپذیر و نامطمئن، آمادگی‌های تئوریک و عملی برای جنگ‌های آینده یک ضرورت ملی و الزام انقلابی است. اولین گام در جهت آمادگی برای برخورد با حوادث احتمالی آینده، درک صحیح از تهدیدات امنیت ملی می‌باشد. یکی از مؤلفه‌های مهم در شناخت تهدیدات کشور و نظام، درک صحیح از نحوه نگرش دشمنان آینده به جنگ‌های احتمالی و چگونگی تحلیل آنان از محیط‌های جنگی آینده می‌باشد. به این ترتیب هم فعل و انفعالات نظامی، سیاسی دشمنان مشخص می‌شود و هم برداشت آنان از کیفیت رفتار نظام جمهوری اسلامی در یک منازعه تعیین می‌گردد. مقاله حاضر بنابراین چشم‌انداز انتخاب شده تا از یک سو نحوه نگرش دشمنان جمهوری اسلامی به یک جنگ منطقه‌ای ارزیابی گردد و برداشت آنان از نحوه واکنش‌های قدرتهای منطقه‌ای بررسی شود. از دیگر سوی این مقاله گرچه یک مدل تعمیم یافته و استاندارد برای بررسی جنگ‌های آینده نیست لیکن خود یک مدل تحلیل است که برای محققین و پژوهشگران این گونه مسائل قابل بهره‌برداری است.



مدل سازیها و تحلیلهای نظامی موجود

جنگ سرد تمام شده، اما تحلیلهای و مدلسازیهای نظامی همچنان به گونه‌ای گسترده به مفروضات دوره جنگ سرد گره خورده است. برخی از آن فرضها بسیار ساده شده‌اند، زیرا به دلیل از بین رفتن سابقه و زمینه تحلیل، علم نظامی کافی نیز برای تحلیل وجود ندارد؛ برای مثال، بیشتر تحلیلگران نظامی امروز در تشخیص بسیاری از ناپیوستگیهای بین پدیده‌های سطح تاکتیکی و عملیاتی عاجزند و نبردها و عملیتهای عمده را به عنوان پدیده‌های به هم پیوسته، تجزیه و تحلیل می‌کنند. این تلاشها به اندازه کافی عوامل کیفی جنگ (نظیر آموزش و انسجام و همبستگی نیروها)، عدم اطمینانها و تغییرات در نتایج مخاصمات و پدیده‌های

مهم همچون تأثیرات رسته‌های مرکب را درک نمی‌کنند. در حالی که بعضی از تلاشها با بسیاری از این مسائل روبرو شده‌اند، هیچ توافقی بر رهیافت مربوط به روبرو شدن با آن مسائل و یا حتی درک محکم و ثابتی درون جامعه پیرامون آنها وجود ندارد. برخی استدلال می‌کنند که نبودن اجماع نظر در جامعه در مورد چنین مسائلی می‌تواند منفعت بار باشد (با فراهم آوردن رهیافتها و دیدگاه‌های گوناگون و جایگزین) لیکن عامل عمده در رسیدن به نتایج متناقض در بررسیهاست که به صورتی جدی توانایی تصمیم‌گیرندگان را در استخراج دیدگاه‌ها و بینشهای پر معنی از تحلیلها، پیچیده و مشکل می‌سازد.

ملاحظات درباره آینده‌بازیهای جنگ

اگر امروزه مدل سازی و تحلیل نظامی بر پایه‌های سست و لرزان استوار است، توانایی آن برای برخورد با جنگ آینده سؤال برانگیزتر است. هیچگونه توافقی برای درک این مطلب وجود ندارد که چگونه جنگ در حال تحول است. در واقع بسیاری عقیده دارند که جنگ به صورت وسیعی در حال تحول نیست؛ به جز ایالات متحده آمریکا که در حال تقویت برتری نظامی موجود خود از طریق تکنولوژیهای نظیر موشکهای بالستیک و یا تسلیحات سنسور فازی^(۱) است. برای بررسی آینده جنگ، ما یک سلسله بازیهای جنگ را هدایت کرده‌ایم که در آنها بازیگرانی با عنوان نیروهای قرمز داشته‌ایم که آنها توجه ویژه‌ای را به آنچه دشمنان منطقه‌ای آمریکا در یک مخاصمه احتمالی قادر به انجام آن هستند و ممکن است ایالات متحده را درگیر کنند معطوف کرده‌اند؛ و نیز بازیگرانی که با عنوان نیروهای آبی داشته‌ایم که چگونگی پاسخ و واکنش نیروهای آمریکایی را مورد ملاحظه قرار داده‌اند. این بازیها دیدگاه‌ها، بینشها و چشم‌اندازهای زیر را به همراه داشته‌اند:

* اگر ایالات متحده بتواند به صورت مؤثری نیروهای خود را به یک صحنه جنگ اعزام کند و آنان را در آن صحنه گسترش دهد، احتمالاً می‌تواند به میزان زیادی از برتری نظامی در بسیاری از وضعیتهای آینده دست یابد. اگر دشمنان آمریکا نتوانند در مدت طولانی به دلیل برتری نظامی آمریکا بروی پیروز شوند، باید بکوشند تا جنگ را کوتاه مدت کنند و قبل

از اینکه آمریکا بخواهد یا بتواند در چنین مخاصماتی مداخله نماید، تک کنند. دشمنان آمریکا همچنین ممکن است با لشکرکشیهای ایالات متحده برای کسب زمان به منظور دستیابی به هدفهای خود مخالفت و ممانعت نمایند.

بسیار مشکل است وضعیتی را تعیین کرد که به تضعیف اراده و تمایل آمریکا منجر شود؛ با این حال دشمنان ایالات متحده احتمالاً در انجام چنین کاری مؤثر خواهند بود اگر:

۱- قبل از اینکه آمریکا بتواند مداخله کند، در جستجوی هدفهای محدود و قابل دسترسی باشند.

۲- اگر کشور درگیری جنگ شود تهدید به وارد آوردن تلفات جدی به جان آمریکاییها کنند.

۳- از توانایی ایالات متحده در شکل دادن به یک احساس و مفهوم روشن از منافع ملی جلوگیری و ممانعت نمایند.

بازیگران قرمز در زمینه تأثیرات واقعی کشتار افراد آمریکایی (که در آن آمریکا همانند بیروت یا پیرل هاربور پاسخ خواهد داد) و بویژه توسعه حملاتشان به درون ایالات متحده اطمینان کمتری دارند.

برخی از دشمنان آینده آمریکا ممکن است یک جنگ منطقه‌ای را به عنوان آخرین و ناگزیرترین اقدام به منظور حفظ نظام سیاسی خود آغاز کنند. این مهم خواهد بود که به طرز صحیحی چنین مواردی را مشخص کنیم، زیرا دشمنان ناامید و از جان گذشته آماده خواهند بود که نیرو، جنگ و زور را در مقیاس بسیار گسترده‌تری (شامل پتانسیل کاربرد سلاح هسته‌ای) به کار گیرند و در مقابل تلاش برای بازدارندگی اقدامات تصاعدی خود در طول جنگ بسیار کمتر، حساس و آسیب‌پذیر هستند.

بسیاری از بازیگران قرمز اعتقاد دارند که آنها می‌توانند بر تغییرات در وضعیت نیرویی ایالات متحده آمریکا در طول زمان تأثیر بگذارند. اگر آنها در یک جنگ احتمالی قبل از مخاصمه متقاعد کردن

آمریکا به اینکه می‌تواند نیروهای متعارف خود را به دلیل نبودن تهدید در جهان کاهش دهد، موفق شوند.

خی از قدرتهای

منطقه‌ای در جنگهای آینده متکی است. بازیگران قرمز اعتقاد دارند که آنها می‌توانند با

استفاده از تشدید اختلافات دیرینه بین آمریکا و متحدان آینده وی و همچنین با استفاده از قراردادان خود به طرز مناسبی در موضع دشمن متحد آینده آمریکا در زمان مخاصمه، چنین ائتلافهایی را در هم بشکنند.

* در صورتی که نیروهای قرمز به برخی از تکنولوژیهای دست یابند که بتوانند با نقاط قوت ایالات متحده و متحدان احتمالی وی رویارویی کنند، عملیات آنان آسان خواهد شد.
* عملیات نیروی هوایی مرکز ثقل ایالات متحده آمریکا است. اگر بازیگران قرمز بتوانند نیروی هوایی آمریکا را از طریق ترکیبی از تک به پایگاه‌های هوایی، تلاشهای ممانعتی دریایی و هوایی و حفاظت از اهداف با ارزش، خنثی نمایند، احساس می‌کنند که در دستیابی به هدفهای خود، اعتماد به نفس دارند.

چنین تصور می‌شود که نیروهای هسته‌ای ایالات متحده به این کشور امتیازات اندکی در مخاصمات احتمالی آینده خواهد داد. اما بازیگران قرمز احساس می‌کنند که سلاحهای هسته‌ای ممکن است به آنها امتیازات و اهرمهای نفوذ اساسی و مهمی را هم در اطمینان از بقا و حیات بنیادی نظامهای سیاسی و هم در ارباب و جنگیدن با ایالات متحده ببخشد. در حالت خاص، آنها اعتقاد دارند که در اختیار داشتن سلاحهای هسته‌ای ممکن است به صورت جدی ایالات متحده را از درگیر شدن در یک جنگ منطقه‌ای سست و دلسرد کند. بنابراین نیروهای قرمز می‌توانند ضربه سریع و مؤثری را علیه نیروهای آمریکا وارد کنند.
* بازیگران آبی احساس کردند که سیستمهای کنترل، فرماندهی، ارتباطات و اطلاعات در آینده الزاماً باید تنومند و قابل تطبیق باشند تا بتوانند نیازمندیهای سیستمهای تسلیحاتی پیشرفته را پشتیبانی، و کنترل مناسب و آگاهی وضعیتی را برای فرماندهان فراهم کنند. بنابراین ایالات متحده علیرغم قدرت نظامی خود ممکن است با چالشهای متعددی در جنگهای احتمالی منطقه‌ای آینده روبرو گردد.

آنسوی بازی جنگ: ساختار بندی تفکر ما در مورد جنگ آینده

ما مشاهداتمان را از بازیهای جنگ در جزئیاتی ملاحظه کرده، و آنها را در درون یک ساختار ابتدایی برای تفکر درباره جنگ آینده و تأثیرات آن بر تحلیل و مدل‌سازی تعمیم داده‌ایم. ساختار مورد نظر ما بر چهار مسأله متمرکز است:

۱- جنگ آینده تحت تأثیر و سلطه عدم اطمینان و تغییر پذیری قرار دارد.

۲- دشمنان ما به دنبال ارائه الگوها و طرح‌های جدیدی از جنگ برای رویارویی مؤثر با کشورمان هستند.

۳- نبردهای نامتقارن، ویژگی اصلی جنگ را تشکیل خواهد داد.

۴- سلاح‌های کشتار جمعی تقریباً بر تمام حوادث احتمالی آینده سایه خواهد افکند. در توسعه این ساختار، ما تشخیص دادیم که تجربه عملیات طوفان صحرا تفکر بسیاری را در مورد جنگ آینده تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داده است. ما تقریباً می‌توانیم مطمئن باشیم که جنگ احتمالی آینده دقیقاً نمایش مجددی از جنگ خلیج فارس نیست و این امر اساساً به دلیل تنوع و گوناگونی مخاصماتی است که در آنها ما می‌توانیم درگیر شویم و نیز گوناگونی واکنشهایی که دشمنان آینده ما نسبت به جنگ خلیج فارس می‌توانند از خود نشان دهند.

همانند هر بازی از فوتبال گرفته تا شطرنج، هر مسابقه دهنده و یا مدافع، اراده‌ای مستقل دارد و فقط می‌تواند توسط حریف دیگر خود در حد بسیار محدودی کنترل و مهار گردد. با توجه به اینکه هر طرف به دنبال دستیابی به هدفهای خود و در همان حال جلوگیری از حریف مقابل برای انجام همین کار است، جنگ در بخش اعظمی یک بازی دو طرفه است. بنابراین منطق اساسی جنگ، خطی نیست بلکه جنبه تناقضی و پارادوکس گونه خواهد داشت. یک اقدام مشابه معمولاً "به نتیجه مشابهی منجر نمی‌گردد. در واقع عکس قضیه به واقعیت نزدیکتر است. اگر دشمن توانایی یادگیری و فراگیری داشته باشد، یک خطر بسیار واقعی وجود دارد و آن این که یک اقدام دوبار به موفقیت منجر نخواهد شد زیرا یک بار موفق شده است.^(۱)

سون تزو به ناکامی و نابخردی تلاش برای تکرار موفقیت‌های گذشته در کتاب «هنر جنگ» خود اشاره کرده است:

تاکتیک‌هایی را که به شما، پیروزی داده است، تکرار نکنید، اما اجازه دهید روشهای شما از طریق تعداد نامحدودی از وضعیتها، منظم و قانونمند گردد.

1- 1. Martin Van Creveld Technology and war from 2000 B.C to the present New York 1989.P.319.

جنگ، تحت تأثیر عدم اطمینان و تغییرپذیری قرار خواهد داشت.

جنگ آینده بسیار نامطمئن و نامشخص است؛ برای مثال ما نمی‌دانیم که ایالات متحده آمریکا با چه دشمنانی روبرو خواهد گردید. (از یک کشور جداگانه تا برخی از ائتلافهای مخالف). هدفهای دشمنان آمریکا چه خواهد بود؟ آنها چگونه تلاش می‌کنند در جنگ پیروز شوند و چگونه نیروهای خود را به کار خواهند گرفت؟ ما همچنین نمی‌توانیم نسبت به پاسخهای آمریکا به این تهدیدات مطمئن باشیم. با مقایسه، نسبت به دوران جنگ سرد، تهدید تاریخی شوروی در بسیاری از ابعاد مشخص، و با عدم اطمینانهای متوسط‌تر روبرو بود که اساساً به تواناییهای واقعی سلاحها و چگونگی عملکرد نیروها مربوط می‌شد. در وضعیتی که اغلب تحلیلها و طرحریزیهای دفاعی تاریخی بر "اوضاع منتظره و پیش‌بینی شده" متمرکز است، احتمالات آینده پیشنهاد می‌کند که نادیده گرفتن آنچه اغلب عدم اطمینانهای بی‌اندازه خواهد بود، خطری جدی را به دنبال خواهد داشت. می‌توان انتظار داشت که بسیاری از این عوامل به طرز قابل توجهی از یک صحنه ممکن به صحنه ممکن دیگر به همراه تغییر در عواملی نظیر آب و هوا، زمین، زیرساختها، میزان تعهد و مشارکت متحدان در هر یک از طرفین مخاصمه، و در نهایت انسجام و انگیزش نیروهای متخاصم، تغییر و تبدیل یابند. این عوامل، محیط جنگی را که در یک وضعیت احتمالی معین، آن را تجربه خواهیم کرد تعیین می‌نمایند. برای درک بهتر انواع تفاوت‌هایی که ممکن است انتظار داشته باشیم، جدول S.1 وضعیت مربوط به محیط اروپای مرکزی تاریخی را که مبنای بیشتر مدلها است، با صحنه کره مقایسه کرده است.

از نظر تاریخی بحث شده است که تسلیحات و دکترین شوروی تقریباً هرگونه مخاصمه‌ای را که ایالات متحده آمریکا ممکن بود با آن روبرو گردد، تحت تأثیر خود قرار داده بود و بنابراین تفکر دفاعی آمریکا بر سبک و تواناییهای شوروی متمرکز شده بود. چنین رهیافتی دیگر بیش از این مناسب به نظر نمی‌رسد. به جای آن، طراحان و تحلیلگران دفاعی باید آماده باشند تا به صورتی آشکارا و صریح با اختلافات و تفاوت‌های

جدول S.1 تفاوت در محیطهای جنگی (یک مثال)

صحنه کره	اروپای مرکزی تاریخی	(مثال) مسأله اصلی
----------	---------------------	-------------------

هدف (US)	بقای نظم جهانی فعلی	کمک به متحد منطقه‌ای
شکست نیروهای آمریکایی ناتو در منطقه (به صورت)	انتخابی شکست اعضای ضعیف)	انصراف آمریکا از این ازرگیر شدن با استفاده از ایجاد حوادث استراتژیک
رخنه و احاطه نیروهای پدافند کننده به منظور یکپارچگی آفندی آنها و انهدام هدف زمینی	شکستن عملیاتها (تدابیر آفند زمینی) انهدام آنها و تأمین اهداف زمینی	سرکوب و رخنه سریع در واحدهای پدافندکننده به منظور
عملیات ضد هوایی آفندی برای ایجاد کنترل هوایی محلی در هر جای ممکن کاربرد تاکتیکی کمین به صورت پدافندی	تدابیر تک هوایی آفندی) هوایی ناتو، ایجاد کنترل هوایی محلی	سرکوب نیروهای هوایی CFC ^(۱) با موشکها و نیروهای عملیات سرکوب نیروهای ویژه، تهدید سؤال و نیروهای زمینی پشتیبان در هر جای ممکن. جای ممکن کاربرد تاکتیکی کمین به صورت پدافندی
(کاربرد شیمیایی)	احتمال کم، آمادگی زیاد	احتمال زیاد، آمادگی کمتر
منابع (نیروهای حمله کننده)	نیروهای سنگین با پشتیبانی توپخانه	بیاده با توپخانه و پشتیبانی نیروهای عملیات ویژه
نه به خوبی ناتو در آموزش زمینی	و یا هوایی بلکه نزدیک به آن	به صورت چشمگیری در آموزش هوایی ضعیفتر، با این حال دارای عملکرد (آموزش متخاصم) تاکتیکی مناسب، برتری در آموزش زمینی نسبت به کره
گروه بزرگی از متحدها که به صورت واضح، ممکن است در مشارکت خود تأخیر کنند.	تهدید متقابل را دریافت و درک می کنند.	ثبات قدم کره، ثبات قدم احتمالی آمریکا، سایر بازیگران منطقه‌ای نحوه همکاری اتحادی (اتحاد دفاعی)
خوب	(توانایی آموزش در پشتیبانی زرهی)	ضعیف - زمینهای کانالی کوهستانی، جاده‌های کم، مزارع برنج که اغلب شبکه‌های جاده‌ای گسترده و زمینهای خوب حرکات خارجی از جاده را غیر ممکن می سازد؛ به جز زمستان .
برای حرکات خارج از جاده		

مربوط به محیطهای جنگی از میان جنگهای احتمالی آینده برخوردار کنند. ما معتقدیم که رهیافت جدید، ایجاد دسته و طبقه جدیدی از متغیرهای عملیاتی و استراتژیک است که به صورت متقارنتر و متناسبتر بیان می کند که چگونه ممکن است احتمالات گوناگون و مختلف

از یکدیگر متفاوت باشند و همچنین به تعیین و تشخیص عدم اطمینانهایی کمک کنند که در هر صحنه مشخص با آن روبرو می‌شویم. این متغیرها احتمالاً "شبهه به مسائل عمده در ستون S.1 خواهد بود. اگرچه نیاز است بسیاری دیگر از مسائل، آشکارا تعریف و تعیین شوند، چنین متغیرهایی در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی دفاعی و آموزش و تحلیل ارزشمند خواهند بود. در حداقل و پایین‌ترین حد خود، آنها چارچوبه‌ای را برای تفکر در مورد الزامات جنگهای احتمالی آینده فراهم می‌کنند.

دشمنان به دنبال طرحها و الگوهای جدیدی از جنگ برای مخالفت و دشمنی مؤثر با ایالات متحده هستند

این نتیجه‌گیری، که عمده جنگ منطقه‌ای احتمالی آینده به جنگ خلیج فارس بی‌شبهت خواهد بود، با این واقعیت تقویت می‌شود که برای هر کسی که بعداً تصمیم می‌گیرد با ایالات متحده درگیر شود، هدف اولیه آن پرهیز از تکرار سناریوی جنگ خلیج فارس خواهد بود. جنگ خلیج فارس، نمونه و مثالی بود از اینکه نیروهای آمریکایی که اخیراً تجهیز شده، آموزش دیده و سازمان یافته‌اند به بهترین گونه عمل کردند؛ پس دشمن آینده ایالات متحده در حد ممکن می‌کوشد تا از تکرار نمونه جنگ خلیج فارس پیشگیری و پرهیز کند. هدف اولیه وی اطمینان از این خواهد بود که نیروهای متعارف آمریکا نتوانند به صورت قاطعانه‌ای متمرکز شوند. او در خواهد یافت که طرح و برنامه مربوط به کاربرد موفقیت آمیز نیروهای آمریکایی مستلزم زمان، همکاری متحدان در منطقه، و دشمنی است که تمایل به حضور و معرفی خود داشته باشد. دشمن هوشمند به دنبال جلوگیری از دسترسی ایالات متحده به این موارد است و قادر به انجام چنین کاری خواهد بود زیرا در اغلب حالات، او ابتکار را در دست خواهد داشت. او تلاش خواهد کرد تا با توانمندیهای ایالات متحده در سطح عملیاتی رویارویی کند اما او درک خواهد نمود که مؤثرترین پاسخ از طریق بازداشتن و انصراف اراده و تمایل آمریکا به درگیر شدن در مخاصمه و از طریق وادار نمودن ایالات متحده به مداخله ناپیوسته و همچنین از طریق تخریب راه‌حلهای و منافع آمریکا در سطح استراتژیک ایجاد خواهد شد دشمن به دنبال ایجاد حوادث استراتژیک است که موجب تغییر در استراتژی آمریکایی گردد. دشمن احتمالاً در تعقیب تضعیف اراده و تمایل ایالات متحده و در غیر این صورت به دنبال تغییر شکل دادن به جنگ احتمالی آینده با استفاده از سه روش کلی زیر خواهد بود:

بهره‌برداری ماهرانه دشمن از زمینه استراتژیک

مهاجمان منطقه‌ای آینده احتمالاً در مدیریت مرحله سیاسی جنگ با زحمت و سختی روبرو خواهند شد. حوادث باید به گونه‌ای در کنترل باشد که برای ایالات متحده بهترین بهانه‌ها و دلایل را برای عدم مداخله یا پایان دادن به مداخله به هنگام شروع جنگ، فراهم کند. برخی از استراتژیهای سیاسی که به صورت جداگانه یا مرکب ممکن است در تحت تأثیر قرار دادن ایالات متحده سهمیم باشند عبارتند از:

* وضعیت باید به گونه‌ای نشان داده شود که در آن مداخله ایالات متحده نه به وسیله منافع ملی آمریکا (نظیر امنیت اتباع آمریکایی یا دسترسی به نفت) و نه توسط ملاحظات اساسی (زیرا دولت مورد هجوم دیکتاتور و ستم پیشه، و یا در کشور آنارشی و هرج و مرج است) ضرورت یابد.

* مهاجم، جنگی کوتاه مدت را به منظور دستیابی به هدفهای محدود با جایگزینی غافلگیری به جای آمادگی کمتر، تعقیب خواهد کرد.

* تهاجم احتمالاً به صورتی زمانبندی شده تا هنگامی که ایالات متحده با بحران‌های مهم دیگری در نقاط دیگر سرگرم است، صورت پذیرد. سؤال جالب این است: او چه چیزی را به کار خواهد گرفت تا ایالات متحده را از مداخله باز دارد؟

مدیریت عملیات عمده محیط استراتژیک

در مخاصمات آینده، ایالات متحده خواهان یک عملیات عمده قطعی و سریع با حداقل تلفات است. دشمن باید نشان دهد که این طرح بازی ایالات متحده قابل دستیابی نیست. مهارتهای متعددی برای زیرو بم دادن و یا نوسان دادن به سطح خشونت مورد نیاز است. یک حادثه استراتژیک، که شامل برخی از تلفات سنگین تماشایی نیروهای آمریکایی در آغاز مخاصمه باشد، ممکن است به عقب نشینی ایالات متحده منجر شود نظیر آنچه در حمله انتحاری به نیروهای دریایی آمریکا در بیروت در چند سال قبل اتفاق افتاد یا ایجاد یک درگیری ثابت محکم آمریکا نظیر آنچه در حمله ژاپنیها به پرل هاربر گردید. با ایجاد نوع صحیحی از حادثه استراتژیک، دشمن زیرک ممکن است روشی تصاعدی و پیش برنده رادر

امتداد خطوط زیر دنبال کند:

۱- نشان دهد که شرکت کنندگان در مخاصمه از تلفات زیاد مربوط به آغاز جنگ رنج می‌برند (هر دو طرف). این کار را با در اختیار گذاردن کامل آن به رسانه‌های بین‌المللی و آمریکایی انجام می‌دهد.

۲- وارد آوردن تلفات به ایالات متحده ابتدائاً از طریق ابزارهای غیر مستقیم، پرهیز از تأیید رسمی و مسلم و بنابراین فراهم نکردن توجیه یا هدفی روشن برای رویارویی.
۳- ایجاد یک حادثه استراتژیک (نظیر تروریسم ویران کننده (خرابکاری) و یا کاربرد سلاحهای انهدام جمعی دارای تأثیر روانی و نظامی کافی برای توقف مداخله و وادار کردن آمریکا به تجدید نظر در راه کاری که برگزیده است.

مدیریت عملیات عمده - محیط عملیاتی

در سطح عملیاتی، دشمن ممکن است بکوشد محیط رزمی شبیه به ویتنام را به جای خلیج فارس با وارد آوردن حداکثر تلفات به آمریکا، کاربرد درگیریهای پیاده نظام (یک میدان نبرد خطی و تمام نزدیک با نیروهای آمریکایی) جنگیدن در زمینها و مناطق مسکونی (جایی که کاربرد سلاحهای برتر ایالات متحده با مشکل روبروست) و به کارگیری تاکتیکهای جنگ چریکی، ایجاد کند. او ممکن است پایگاه‌های هوایی، بندرها و سایر تسهیلات را برای وادار کردن ایالات متحده به واگذار کردن و رها کردن آنها از ترس تلفات بیش از حد، آلوده کند. هم چنین ممکن است دشمن توپخانه پدافند هوایی و موشکهای سطح به هوا را، که از روی دوش افراد پرتاب می‌گردد، گسترده و فراوان سازد تا از عملیات هواییها زیر ارتفاع ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ پا جلوگیری کند. او ممکن است برخی از عملیاتها را انجام دهد نظیر آنجا که ممکن است با تحمیل تهدید به واکنش هسته‌ای بسیار خطرناک باشد. از دیدگاه دشمن، مطلوب است اگر آنها بتوانند حوادث عملیاتی را ایجاد کنند که می‌تواند به حوادث استراتژیک منجر شود؛ بنابراین اگر کره شمالی بتواند به ایالات متحده القوا تحمیل کند که پایگاه‌های هوایی خود را در کره جنوبی ترک کند و به این وسیله موجب پیدایش یک بحران در اراده آمریکا برای مداخله در جنگ کره را فراهم نماید، توسعه عملیاتی بخوبی در خدمت هدفهای کره شمالی قرار گرفته است. دشمن هنوز درک می‌کند که نتیجه چنین حادثه استراتژیکی می‌تواند یک مداخله توسعه یافته و مجدد ایالات متحده باشد. (بویژه اگر بسیاری از آمریکاییها با

سلاحهای شیمیایی یا تک هسته‌ای کشته شوند)

نبردهای نامتقارن، ویژگی مهم جنگ آینده را تشکیل خواهند داد

مباحث نظامی اخیر میدانهای نبرد، جانشینهای متعددی را توصیف کرده‌اند. نوشته‌های روسی بر توسعه‌ای متقارن با تکنولوژی پیشرفته در امتداد خطوطی که ایالات متحده در عملیات طوفان صحرا بدان دست یافت و در امتداد خط دستیابی آمریکابه توسعه‌های آینده در تکنولوژیهای نظامی، متمرکز شده‌اند. اگر هر یک از دشمنان ایالات متحده در حد پایینی قادر به واکنش متقارن به ایالات متحده باشند، آمریکا در میدانهای نبردی در آینده شرکت خواهد کرد به صورت نامتقارن توسعه خواهند یافت. حدنهایی عدم تقارن هنگامی است که نیروهای با تکنولوژی پیشرفته ایالات متحده آمریکا با یک نیروی چریکی در جنگی نامنظم شرکت نمایند. این گزینه‌ها اساساً الزامات متفاوتی را نسبت به یکدیگر در بر خواهند داشت و مستلزم روش تحلیلی خواهند بود که امکان دهد همه گزینه‌ها مورد ملاحظه قرار گیرند. تحلیلهای نظامی سنتی تمایل دارند که متقارن باشند؛ برای مثال، تحلیلگران ممکن است تانک را در مقابل تانک و جنگنده‌ها را در مقابل جنگنده‌ها، هم در حالت‌های ثابت و هم در حالت‌های درگیری و پویا مورد ارزیابی و آزمون قرار دهند. با این حال ساختار نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا به طرز چشمگیر و فزاینده‌ای از نیروهای نظامی دشمنان آینده در حال فاصله گرفتن و واگرایی است. این واگرایی اساساً به خاطر نقاط قوت نظامی ایالات متحده است که بر اساس آموزش و فرهنگ نظامی آمریکا بوده (همانند جنگ مانوری و تاکتیک‌ها و عملیات‌های هوایی) که بسیاری از قدرتهای منطقه‌ای قادر به تکرار و مشابه‌سازی آن نیستند. به جای آن به نظر می‌رسد قدرتهای منطقه‌ای به دنبال ساختار نیرویی ساده‌تری هستند، اما همین ساختار می‌تواند ایالات متحده را در جنگهای احتمالی آینده با مشکل روبرو سازد؛ برای مثال موشک‌های کروز و بالستیک مستلزم هماهنگی دقیق نیروهاست. به این وسیله مشخصات عملیات نظامی آمریکا تعیین می‌گردد. هنوز آنها می‌توانند تهدیدی واقعی علیه نیروهای ایالات متحده آمریکا باشند. ما به چنین تهدیداتی به عنوان تهدیدات نامتقارن اشاره می‌کنیم زیرا دشمنان آینده به نقاط قوت آمریکا با استفاده از انواع دیگر تواناییها و قابلیت‌ها تک خواهند کرد. برای درک بهتر تهدیداتی که ایالات متحده با آن روبروست ما نیاز به مشخص کردن چگونگی رویارویی قدرتهای منطقه‌ای با نقاط قوت آمریکا داریم. نیروهای اطلاعاتی

ناقص و ناکامل آمریکا با سؤالاتی به گونه زیر روبرو هستند:

* چه رویارویی‌هایی ممکن است؟

* این مقابله‌ها چقدر و چگونه مؤثر هستند؟ آیا آنها فقط در موارد محدودی به کار می‌روند؟

* کدام یک از مقابله‌های مؤثرتر ممکن است در دسترس دشمنان مشخصی باشند؟

* چگونه ایالات متحده به این رویارویی‌ها پاسخ خواهد داد یا بر آنها غلبه خواهد کرد؟

ما استفاده از یک لیست تهدید را، همانگونه که در شکل S.I نشان داده شده است، برای رویارویی با چنین مسائلی پیشنهاد می‌کنیم. لیست تهدید به طیفی از روش‌های درگیری و نبرد اشاره دارد که به روی دشمن برای مقابله با تواناییهای مشخص آمریکا باز است. به عنوان مثال روش رویارویی با قدرت هوایی آمریکا. دشمن ممکن است احتمالاً یک روش یا بیش از یک روش را از میان این طیف از روشها انتخاب کند؛ برای مثال، ممکن است دشمن پایگاه‌های هوایی ایالات متحده را با جلوگیری از سوختگیری منطقه‌ای یا استقرار طیف وسیعی از موشک‌های زمین به هوا برای دفاع از زیر ساختارها و نیروهای خود، هدفگیری کند. لیست تهدید به ما امکان می‌دهد تا بر انواع تهدیداتی که ممکن است به ما تحمیل شود، تمرکز کنیم. سپس ما می‌توانیم در مورد تهدیداتی که دارای جدیت و اهمیت کافی برای محاسبه در فرمول بندی توان محیط‌های تهدید هستند (تا درک مناسب و صحیحی از محیط جنگ مورد بحث به دست آوریم) تصمیم‌گیری کنیم و در زمینه توسعه و طرح‌ریزی الزامات جمع‌آوری اطلاعات برای یک تهدید مشخص به نتیجه برسیم.

در محدوده‌ای که تهدیدات واقعاً غیر متقارن هستند، نوع متفاوتی از رقابت و مسابقه نظامی به دست خواهد آمد. به جای طرح‌ها و الگوهای سنتی و تاریخی رقابت در حوزه‌های متقارن (تانک علیه تانک یا جنگنده علیه جنگنده) تحلیلگران باید انتظار داشته باشند که دشمنان در تعقیب انواع بسیار متفاوتی از تکنولوژی‌ها در روش رسته‌های مرکب برای رویارویی با تواناییهای ایالات متحده (و نه دقیقاً به دنبال یک گلوله نقره‌ای منفرد برای شکست نیروهای آمریکایی) باشند.

این استراتژی، تحلیل را پیچیده می‌کند زیرا به صورت وسیعی مقایسه تواناییهای متقارن را از اعتبار ساقط می‌کند.

سلاحهای انهدام جمعی تقریباً بر تمام صحنه‌های جنگ آینده سایه خواهد افکند

در هیچ کجا، عدم تقارن‌ها بیش از آمادگی نسبی ایالات متحده و دشمنان منطقه‌ای بالقوه برای مطرح کردن اثر سلاحهای انهدام جمعی و حتی کاربرد آنها در بحران نیست. علاقه جهان سوم به سلاحهای هسته‌ای ممکن است ناشی از جاه‌طلبی‌های مربوط به برتری منطقه‌ای باشد. بازیهای ما پیشنهاد می‌کند که این علاقه همچنین ممکن است ناشی از برداشت در مورد سلاحهای هسته‌ای به عنوان ابزارهای اطمینان از بقای رژیم‌ها باشد. تکثیر کنندگان سلاحهای هسته‌ای از تأثیر در اختیار داشتن آنها بر موازنه قوای منطقه‌ای بسیار آگاه هستند. (همانگونه که در مورد واکنشهای ژاپنیها به پیش‌بینی تواناییهای هسته‌ای کره شمالی نشان داده شده است.) هنگامی که منازعه آغاز گردد (چه با یک قدرت منطقه‌ای و چه با ایالات متحده) آنها نه فقط از توانایی زرادخانه خودشان برای مرعوب کردن یا بازداشتن آگاه هستند، بلکه از اینکه چگونه این سلاحها می‌توانند به کارروند تا تأثیرات قطعی بر دوره مخاصمه و نتیجه آن داشته باشند نیز آگاهند (به این مورد گفته می‌شود توان سلاحهای هسته‌ای برای ایجاد حوادث استراتژیک)

تهدیدات به کاربرد سلاحهای هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی ممکن است احتمالات آینده را به چند طریق تحت تأثیر قرار دهد. داشتن زرادخانه NBC^(۱) توسط دشمن ممکن است عامل بازدارنده‌ای قوی برای ایالات متحده در زمینه مداخله در اولین مکان باشد. اعضای بالقوه ائتلاف بویژه آنها که از نظر جغرافیایی به دشمن نزدیکتر هستند، ممکن است به دلیل ترس از ضربه‌های هسته‌ای مهاجم، مشکلتر در فهرست ائتلاف قرار گیرند. احتمال کاربرد تاکتیکی سلاحهای هسته‌ای ممکن است به صورت جدی طرحهای گسترش نیرو و طرحهای عملیاتی آمریکا را خنثی و بی‌اثر کند. ایالات متحده ممکن است مجبور شود که دکتترین خود را در زمینه تک استراتژیک مورد ملاحظه قرار دهد، زیرا این طرح بقاء و موجودیت رژیم مهاجم را تهدید می‌کند و مهاجم احتمالاً به سلاحهای هسته‌ای برای اطمینان از بقای خود چشم خواهد دوخت؛^(۲) حتی پس از یک عملیات عمده متعارف،

1- Nuclear, Biological- Chemical.

۲- به طرز متفاوتی گفته می‌شود که انجام حملات علیه رهبری مهاجم به نقطه‌ای می‌رسد که رهبری احساس تهدید

هدفهای جنگی ائتلاف ممکن است به خودداری از تهدید بقای نهایی دشمن مجبور، و بنابراین به صورت بالقوه به یک واکنش سانسون منجر شود. کاربرد حقیقی سلاحهای NBC برای دشمن یک استراتژی بسیار مخاطره آمیز است اما با وجود این نباید به عنوان استثنا نادیده گرفته شود. به عنوان یک حادثه استراتژیک عمده، ممکن است کل دور تک سیاسی واکنش آمریکا را مختل کند. می‌توان مطمئناً انتظار داشت که یک توقف در میدان نبرد تحمیل شود، در شرایطی که واشنگتن و سایر پایتختهای کشورهای عضو ائتلاف، پیامدها و الزامات آن را بر خود هموار نمایند. مادامی که مباحث پی در پی برای واکنش مناسب صورت گیرد، ممکن است ناسازگاری بزرگی بین اعضای ائتلاف به وجود آورد و دشمن ممکن است محاسبه کند که آن راهکار بدون هزینه اضافی خواهد بود. هنگامی که سودمندی و مشروعیت تمایل ایالات متحده در زمینه سلاحهای هستهای، شیمیایی و میکروبی که در حال از بین رفتن است به صورت فزاینده‌ای آشکار شود، دشمن ممکن است به طرز معقولی محاسبه کند که واکنش ایالات متحده به کاربرد NBC^(۱) وی فقط منحصر به پیگیری مداوم جنگ علیه او با

ابزارهای متعارف خواهد بود.

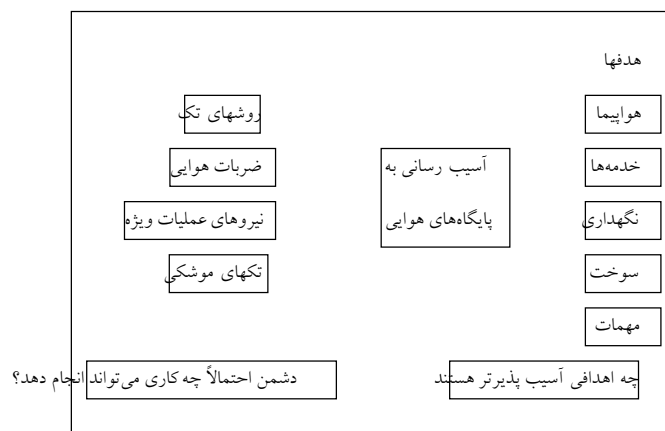


ادامه پاورقی از صفحه قبل

نسبت به بقای خود کند و پاسخ هسته‌ای را تدارک می‌بیند که هدف آن تغییر استراتژی آمریکا و حذف و خنثی کردن تهدید نسبت به رژیم مهاجم می‌گردد.

1- Nuclear- Biological- Chemical

هسته‌ای، بیولوژیک، شیمیایی



شکل ۱.۱-S- یک لیست تهدید

چگونه تحلیل و مدلسازی باید به جنگ آینده پاسخ دهد؟

دوره عدم اطمینان جاری به این مطلب اشاره دارد که روش سنتی تحلیل نظامی، که بر مبنای یک سناریوی خطی در بهترین طریق تحلیل حساسیت استوار است، دیگر روش مناسبی نیست. در روش سنتی مهم نبود که چقدر به ملاحظه تغییرات در مورد سناریو خط مبنای توجه می شد. تقریباً تمام تحلیلها هنوز به سمت نتیجه و ارزش مورد انتظار از یک دوره حوادث جداگانه متمایل است که احتمال اندک و عدم اطمینانهای اندکی دارد. به نظر می رسد که حتی پیشرفت اندکی در روش سنتی حاصل نشده و به جای آن روش جدیدی مورد نیاز است.

الزامات و نیازمندیهای روش تحلیل جدید

روشهای تحلیل جنگ سرد، ساده‌سازیهایی بوده‌اند که در آن زمان به نظر مناسب می‌رسیدند، لیکن آنها دیگر برای تحلیل نظامی مناسب نیستند.

شش حوزه‌ای که ما احساس می‌کنیم باید تغییر یابند عبارتند از:

۱- تحلیل و مدل‌سازی باید اختلافات مهم و عمده را در محیط جنگی منعکس کند که بین صحنه‌های مختلف وجود دارد.

۲- تحلیل نیازمندی این است که بر حوادث عملیاتی و استراتژیک، تغییرات و عدم اطمینانها تمرکز نماید. تحلیل نیازمند استخراج طیفی از نتایج احتمالی و ممکن هم در سطح عملیاتی و هم در سطح استراتژیک بوده و مستلزم تعیین عوامل مؤثر بر حوادث کلیدی و مهم است که دوره و ماهیت تخصص و نتیجه آن را تعیین خواهد کرد.

۳- برای درک بهتر طیف و گستره عملیاتی‌های رزمی که می‌توانند اتفاق بیفتند، ما باید یک روش ضد توانمندیها را برای تعیین تهدیدات نظامی اتخاذ کنیم. این روش، فهرست تهدیدات را که به تحلیلگران امکان می‌دهد تا گستره تهدیدات ممکن را که به تعریف و تعیین محیط جنگی کمک میکند، توسعه می‌دهد.

۴- جامعه نیازمند اتخاذ یک روش جدید در مورد توسعه مدل ساده اما فراگیرتر و جامعتر

کلیدی، سبک و سنگین کرد تا تأثیر متغیرهای مورد بحث در بالا را منعکس نماید.

۵- تحلیل نیازمند رویارویی با مسائل مربوط به سایه افکندن سلاحهای کشتار جمعی بر حوادث احتمالی آینده است.

۶- تحلیل مستلزم توسعه روشهای جدید برای مشخص کردن عوامل عدم اطمینان برای تصمیم‌گیرندگان و قابل درکتر کردن این عدم اطمینانهاست.

بررسی اختلافات در محیط عملیاتی

دسته جدیدی از متغیرهای عملیاتی و استراتژیک مورد نیاز است تا تفاوت محیطهای جنگی صحنه‌های مختلف را تعیین و تعریف کند. این متغیرها ورودی یک مدل رزمی نخواهند بود بلکه ویژگیهای محیطهای جنگی هستند که به تحلیلگر، مبنایی برای به دست آوردن تفاوت بین محیطها را می‌دهند. آنها شامل مسائلی نظیر آنچه در جدول S.I

به هم راه‌دکترین نظامی و عملیاتی‌های نظامی مشتمل بر عواملی نظیر تدبیرتهاجمات، تدبیرر نیروهای دریایی سطحی و تدبیرنیروهای آبخاکی آمده‌است، هستند. فرضهای متفاوت در این حوزه‌ها، روشهای تحلیل و مدل‌بندی متفاوتی را برای اندازه‌گیری نتیجه یک عملیات معین طلب خواهد کرد.

پیگیری حوادث عملیاتی و استراتژیک

ما اعتقاد داریم که جنگ آینده تحت تأثیر حوادث عملیاتی و استراتژیک هم در میدان نبرد و هم هنگام تحلیل قرار دارد. در سطح استراتژیک، مشکلات تجربه شده در صحنه ممکن است به صورت بنیادین اراده و تمایل ایالات متحده را تحت تأثیر قرار دهد و ایالات متحده رابه تغییر در استراتژی وادار کند. تحلیل باید الزامات و پیامدهای استراتژی‌هایی را مشخص کند که به دنبال آن می‌آیند. در سطح عملیاتی یک رخنه در زمین یا ایجاد یک برتری هوایی در هوا ویژگی کلی تحلیل را از آن نقطه تغییر می‌دهد. شکل S.2 مثال ساده‌ای از سلسله حوادث عملیاتی و استراتژیک است که تحلیل مجبور به ملاحظه آنها در زمینه و بستریک تهاجم کامل کره شمالی به کره جنوبی است. در سطح استراتژیک کره شمالی‌ها احتمالاً طیفی از تکهای طراحی شده را برای متقاعد کردن ایالات متحده به اینکه این جنگ به طرز استثنایی خونین خواهد بود، دنبال خواهند کرد. بنابراین تحلیلهایی که بر حوادث عملیاتی و استراتژیک متمرکز است، باید سه وظیفه زیر را انجام دهد:

۱- حوادث آینده و سلسله‌مراحلی را تعیین کند که در آن، این حوادث روی می‌دهد. این حوادث تمایل دارند که براساس هدفهای هر یک از طرفین باشند. آیا یک مهاجم می‌تواند توان مربوط به مداخله ایالات متحده را تهدید کند؛ اگر چنین است چگونه؟
حوادث اصلی عملیاتی (رخنه‌ها، استفاده از موفقیتها یا تکهای شکست خورده) که ممکن است در صحنه اتفاق بیفتند، چیست؟

۲- وضعیتهایی که ممکن است موجب بروز حوادث شوند و چگونگی پیشگیری یا تشدید آنها را تعیین کنند؛ برای مثال چه نوع از عملیات کره شمالی موجب سقوط پدافند مقدم کره جنوبی می‌گردد. سطوح نیرو و عملکرد آنها در هر طرف چگونه این نتیجه را تحت

تأثیر قرار می‌دهد و چه اقدامات دیگری می‌تواند صورت گیرد تا پدافند را تقویت و یا تهدید کند.

۳- پیامد احتمالی حوادث را مشخص نمایند، مثلاً "اگر پدافند مقدم در کره جنوبی به سرعت شکست بخورد، ممکن است تصمیم آمریکا به درگیر شدن را تحت تأثیر قرار دهد و ویژگی عملیاتیهای بعدی را تغییر دهد.

در رویارویی با این مسائل، خبرگی عملیاتیهای نظامی و آگاهی استراتژیک تحلیلگر، کیفیت ساز اصلی است. در حالی که از نظر تاریخی بسیاری از تحلیلگر، خبرگی بیشتری در تحقیق در عملیاتیهای غیر نظامی نسبت به عملیاتیهای نظامی دارند.

چارچوب رویارویی با تواناییها

مشکل است بتوان، محیط تهدید را برای هر مخاصمه منطقه‌ای، که عدم اطمینان در مورد شرکت کنندگان آن وجود دارد؛ پیش‌بینی کرد دکترین و عملیاتیهایی که ممکن است به کار رود؛ تکنولوژیهای نظامی جدید که ممکن است پای کار آینده ساختار نیروی نظامی آنها ممکن است تا زمان درگیری تغییر و تحول یابد. چنین عدم اطمینانهایی انجام یک تحلیل را فقط بر مبنای برآوردهای اطلاعاتی از تهدید در حال توسعه، مشکل می‌سازد. به جای آن، اگر، دشمن به دنبال عملیاتیهای تهاجمی باشد که آنها عقیده دارند احتمالاً "ایالات متحده را درگیر خواهد کرد، به صورت منطقی او باید برای چنین مخاصمه‌ای با توسعه تواناییها برای مقابله با نقاط قوت شناخته شده آمریکا، آماده باشد. در بالا ما پیشنهاد استفاده از یک فهرست تهدید را برای تعیین طیف اقداماتی که دشمن ممکن است انجام دهد، ارائه دادیم.

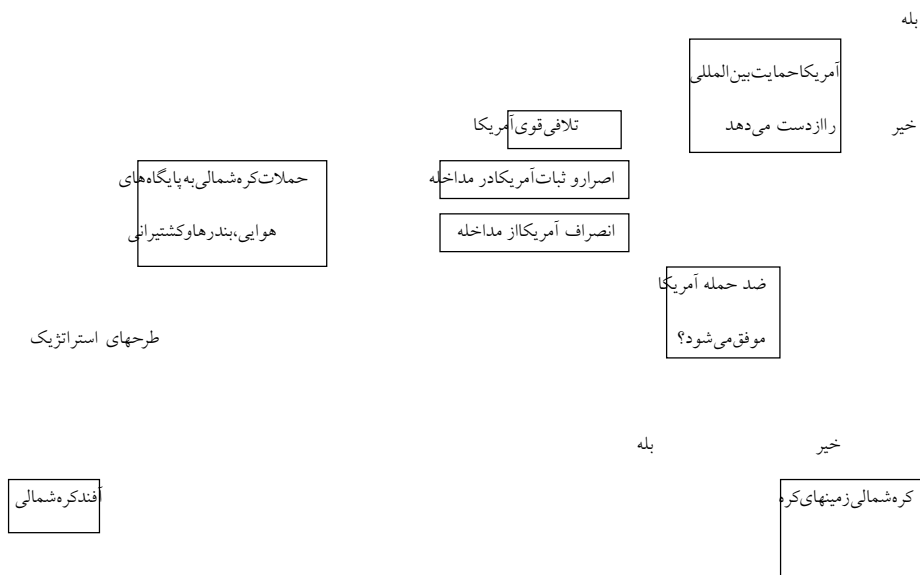
برای توسعه لیست تهدیدات، ما پیشنهاد استفاده از یک چارچوب ضد توانایی را مطرح کردیم و آن را با فرض اینکه نقاط قوت آمریکا برای دشمنان ما مشخص است، آغاز کردیم و اینکه با ابتکار عمل، دشمنان تلاش خواهند کرد تا خود را در وضعیت قرار دهند که مخاصمه آینده را به طریقی هماهنگ کنند تا بتوانند علیه نقاط قوت آمریکا مقابله نمایند. یک چارچوب ضد توانایی میزان احتمال موفقیت دشمنان آینده را در توسعه و کاربرد چنین تواناییهایی مشخص می‌سازد و راه‌هایی را که از طریق آنها ایالات متحده آمریکا ممکن است با چنین مقابله‌هایی روبرو شود، ارزیابی می‌کند. بنابراین چهارچوب ضد توانایی، دشمنان

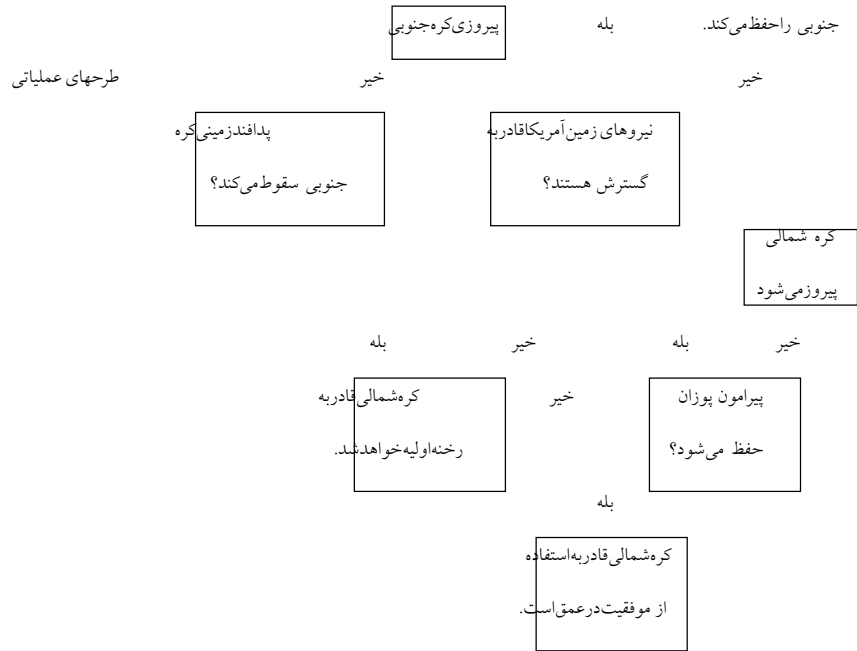
گوناگون بالقوه و مهاجم و چگونگی تماس آنها با ایالات متحده را از طریق مسابقات و رقابت‌های زمان صلح و عملیات‌های زمان جنگ بررسی می‌کند.

جدول S.2 برخی از انواع مقابله‌هایی را که می‌تواند برای غلبه بر برتری هوایی آمریکا به عنوان یک نقطه قوت روشن و شاخص به کار رود، نشان می‌دهد.

ما چهار نوع از مقابله را تعریف کردیم. موازی (مقابله با تواناییهای مشابه)، مستقیم (مستقیماً توانایی دشمن را با سایر نیروها درگیر می‌نماید). غیر مستقیم (به صورت غیر عامل و انفعالی، حفاظت در مقابل تواناییهای دشمن را انجام می‌دهد) و نامتقارن (تک به نیروهای مستقر در پایگاه‌های آنک به سیستم پشتیبانی آنان). این تواناییها بخش مهمی از یک لیست تهدیدات است.

چون این جدول نمونه، دشمن خاصی را مشخص نکرده، بدیهی است که برای دشمن احتمالی مشخص مورد بازنگری قرار می‌گیرد. این مقابله‌ها، به ارزیابی و آزمایش مجدد در جزئیات بیشتری نیاز دارند؛ برای مثال ایالات متحده می‌تواند نسبت به تک به پایگاه‌های هوایی با موشک‌های بالستیک از طریق کاربرد تقویت شده موشک‌های پاتریوت یا سیستم پدافند منطقه‌ای ارتفاع بلند پاسخ دهد که می‌تواند به وسیله عملیات آفندی نیروهای ویژه دشمن مورد حمله واقع شود (با آتش خمپاره‌ها یا راکت‌های کشتی در رادارهای هوایی)





شکل S-2 پیگیری حوادث عملیاتی/ استراتژیک یک مثال ساده

نوع مقابله	مثال	تأثیر احتمالی
موازی	درگیریهای هوا به هوا	دشمن از موفقیتهای اندک لذت خواهد بود واژ تلفات زیاد به دلیل کیفیت پائین خلبانها و در بسیاری از موارد از کیفیت پائین هواپیماها رنج خواهد برد.
مستقیم	موشکهای زمین به هوا	انتظار تعدادی تلفات آمریکایی و فرسایش و تخریب واقعی می رود
غیر مستقیم	محکم کاری تأسیسات	برای برخی از نیروها و تأسیسات خوب کار می کند اما نه برای دیگران (مانند نیروهای زمینی که باید حرکت کنند یا نیروگاه های انرژی) برخی از تأسیسات و نیروها را در مقابل پراکنده کردن و اختفای تأسیسات

اقدامات جمع‌آوری اطلاعات آمریکا حفظ می‌کند.

موقعیت شهری اهداف

ممکن است توان آسیب‌رسانی متوازی

و پهلو پهلو را به حد کافی افزایش دهد

تا پیش درآمدی برهدفگیری آمریکا باشد.

غیرمتقارن

تک به پایگاه‌ها هوایی

احتمالی‌ترین روش برای ضربه‌زدن جدی به نیروهای

آمریکایی که می‌تواند در صورتی که ترکیبی از موشکها

و نیروهای ویژه باشد، بسیار مؤثر افتد.

محروم کردن آمریکا از پایگاه‌های منطقه‌ای

اگر تک به پایگاه‌ها هوایی موفق باشد. محروم کردن

آمریکا از پایگاه‌های هوایی به صورت گسترده‌ای ایالات متحده

را از آوردن نیروهای هوایی خود به صحنه محروم می‌نماید.

در مناطقی که با آب محصور شده است، ممکن است قادر به تحمیل

جلوگیری از دسترسی ساحلی از طریق

عقب نشینی به وسیله نیروهای دریایی باشد

ناوگروه‌ها رزمی هواپیما بر

که درگیری آنها را در جنگ هوایی محدود می‌کند.

جدول S-2 برخی از واکنشهای ممکن دشمنان آمریکا به برتری هوایی آمریکا